

طومار (۶)

نردبان شکسته (۱):

نقد کتاب «سیره الامام البخاری» عبدالسلام مبارکفوری؛ از تحریف در عنوان تا اعطای لقب علامه

دانشیار دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران | علی راد

| ۴۷۹ - ۵۱۲ |

۴۷۹

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

چکیده: این مقاله بخشی از کتاب اسطوره بخارا است که به نقد کتاب سیره الامام البخاری (سید الفقهاء و امام المحدثین) تالیف عبدالسلام مبارکفوری می‌پردازد. کتاب مبارکفوری از جمله مصادر کتاب طعون و شبهات الشيعة الأمامية حول صحيح البخاری و الرد علیها تالیف عادل عزازی است که به عنوان پژوهش برتر مقطع دکتری در دانشگاه الأزهر مصر در رشته علوم حدیث معرفی شده است لذا نقد کتاب مبارکفوری در واقع نقد پژوهش عزازی نیز به شمار می‌آید. این مقاله پس از شناساندن تبار، دانش اندوزی، استادان، تلاش‌ها و گرایش‌ها، تالیفات و جایگاه علمی مبارکفوری در جستار اول به کتاب شناخت این اثر در جستار دوم می‌پردازد و بر روی عنوان کتاب، زمانه و تالیف اثر، منابع و مصادر، رویکرد، ترجمه عربی آن تمرکز می‌کند. برابند پژوهش اثبات می‌کند که مبارکفوری پیش از انتشار این کتاب شخصیتی گمنام و ناشناخته بود و تراز و گستره دانسته‌های او در حد لقب علمی علامه نبود لذا این لقب از سوی مترجم عربی این اثر و متأثر از فضای انتقادی علیه بخاری در زمان انتشار این کتاب به مبارکفوری اعطا شد تا بر اعتبار کتاب بیفزاید. به همین سان عنوان این کتاب تحریف گردید، واژه الامام در میان عنوان اصلی و عبارت (سید الفقهاء و امام المحدثین) ذیل آن افزوده گردید. عبارت ذیل عنوان کتاب هم سوی با رویکرد مولف آن در تلاش است دیدگاه نفی فقاها و اجتهاد از بخاری را به چالش بکشد؛ نام اصلی این کتاب به زبان اردو سیره البخاری بود که در فرایند ترجمه آن به عربی و انگلیسی دچار دگرگونی گردید.

کلیدواژه‌ها: اسطوره بخارا، کتاب سیره الامام البخاری، عبدالسلام مبارکفوری، فقه و اجتهاد بخاری، نقد بخاری، نقد کتاب.

Tūmār (6)

The Broken Ladder (1): A Critique of the Book "Sirat al-Imām al-Bukhārī" by Abdul Salam Mubarakfuri
By: Ali Rad (Associate Professor, University of Tehran)

Abstract: This article is a section of the book "The Bukhara Myth" and critiques the book "Sirat al-Imām al-Bukhārī" (The Chief of Jurists and Imam of Hadith) authored by Abdul Salam Mubarakfuri. Mubarakfuri's book is one of the sources cited in the book "Ṭu'ūn wa Shubuhāt al-Shi'a al-Imāmiyya hawl Ṣaḥīḥ al-Bukhārī wa al-Radd 'alayhā" by 'Ādil 'Azāzī, which was recognized as the best doctoral research in Hadith sciences at Al-Azhar University in Egypt. Therefore, the critique of Mubarakfuri's book also serves as a critique of 'Azāzī's research. This paper, after introducing Mubarakfuri's lineage, education, teachers, efforts, inclinations, publications, and academic standing, focuses on the book's title, its context and authorship, sources and references, approach, and its Arabic translation. The research concludes that Mubarakfuri was relatively unknown before the publication of this book and that his knowledge did not warrant the scholarly title of "Allāmah." This title was conferred by the Arabic translator of the work, influenced by the critical climate against Bukhārī at the time of the book's publication, to enhance the book's credibility. Similarly, the book's title was distorted, with the term "al-Imam" added between the main title and the subtitle ("The Chief of Jurists and Imam of Hadith"). The subtitle of the book also attempts to challenge the view that Bukhārī lacked jurisprudence and ijtihad; the book's original Urdu title was "Sirat al-Bukhārī," which underwent significant changes in its Arabic and English translations.

Keywords: The Bukhara Myth, Sirat al-Imām al-Bukhārī, Abdul Salam Mubarakfuri, Bukhārī's Jurisprudence and Ijtihad, Critique of Bukhārī, Book Criticism.

اشاره

در روند پژوهش و نگارش تألیف کتاب اسطوره بخارا روشن شد که کتاب سیره الامام البخاری عبدالسلام مبارکفوری از جمله مصادر کتاب طعون و شبهات الشيعة الامامية حول صحيح البخاری و الرد عليها تألیف دکتر عادل حسن یوسف عزازی است و دکتر عزازی از رویکرد و دستاورد آن در کتاب خود بهره‌مند است؛ از این رو برای نقد کتاب او ضروری است که رویکرد و اندیشه عبدالسلام مبارکفوری در کتاب سیره الامام البخاری^۲ بازخوانی و ارزیابی شود تا میزان اثرپذیری عزازی از مبارکفوری روشن گردد. مجموعه مقالات «نردبان شکسته» به روش تحلیل انتقادی به نقد کتاب مبارکفوری می‌پردازد و در واقع نقد کتاب دکتر عزازی نیز به شمار می‌آید. این مقاله به شناخت نامه مبارکفوری و کتاب شناخت سیره الامام البخاری اختصاص دارد؛ در شماره‌های بعدی «نردبان شکسته»، به نقد تصویر بخاری در کتاب مبارکفوری خواهیم پرداخت. تا کنون کتاب مبارکفوری به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی نقد نشده است؛ از این رو این پژوهش نخستین کوشش در تحلیل انتقادی آن است.

۴۸۱

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. شناخت‌نامه عبد السلام مبارکفوری

این جستار مروری کوتاه بر شخصیت عبدالسلام مبارکفوری از تولد تا مرگ دارد و کوشیده‌ایم تا تبار، استادان، تلاش‌های علمی و آثار او را معرفی کنیم.

۱-۱. تبار و تولد

عبدالسلام مبارکفوری سال ۱۳۴۲ هجری در روستای مبارکفور شبه‌قاره هند چشم به جهان گشود. مبارکفور در ولایت اترابادیش از ولایات شمالی هند قرار دارد. پدرش شیخ

۱. پژوهش برتر حدیثی معاصر در سال گذشته که در چهار جلد نشر یافته است؛ این کتاب بر اساس اطلاعات مندرج در شناسه نشر آن در سال ۱۴۴۳ هجری از سوی انتشارات دار اللؤلؤة شهر قاهره در کشور مصر منتشر شده است. از نشانی این انتشارات آشکار است که از جمله انتشارات وابسته به جامعة الأزهر است که در نزدیکی این مرکز واقع شده است (عادل حسن یوسف عزازی، طعون و شبهات الشيعة الامامية حول صحيح البخاری و الرد عليها، ج ۱، ص ۲).

۲. عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ۲ جلد، مکه، دار عالم الفوائد، ۱۴۲۲ق.

خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين از تاجران و مشهور به دیانت و احتیاط بود. از خاندان پدری عبدالسلام، شخصی در کسوت دانشوری دین نبود؛ ولی جد مادری او را شیخ طبیب أمان الله مبارکفوری گفته‌اند که از بزرگان دینی مبارکفور و از جمله شاگردان محدث نامدار شیخ محمد اسماعیل بن عبدالغنی معروف به أبو إسحاق دهلوی مؤلف کتاب تنویر العینین فی إثبات رفع الیدین^۱ بود (بنگرید: فواز عبدالعزیز المبارکفوری، «الشیخ عبدالسلام المبارکفوری و کتابه سیرة الإمام البخاری»، مجلة نقیب الهند، اکتبر و دسامبر ۲۰۱۸ م).

دکتر ازهری در آغاز شرح حال مبارکفوری به جایگاه برجسته روستای مبارکفور بین دیگر نواحی و مناطق هند اشاره می‌کند و تأکید دارد این روستا خاستگاه ظهور دانشیان دین و نویسندگان نامداری بوده و هست که همانند ایشان در دیگر نواحی هند یافت نشود؛ بنابراین نام و یاد این روستا در تاریخ هند ماندگار شده است و از جمله این دانشوران را ابوالهدی عبدالسلام بن شیخ محمد مبارکفوری معرفی می‌کند که در خانواده‌ای شناخته شده به علم و دیانت نزد اهالی روستای مبارکفور در سال ۱۲۸۹ هجری به دنیا آمد (برای آگاهی بیشتر بنگرید: عبدالسلام مبارکفوری، سیرة الامام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۱۹؛ عبدالحی حسنی طالبی، نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۱۶۱، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۰ ق).^۲

۱. نسخه خطی این کتاب به شماره الف ۳۸۸۳ در کتابخانه کتابخانه آصفیه سرکار عالی حیدرآباد دکن در ۱۴۲ برگ نگهداری می‌شود. تصویری از این نسخه در سایت archive قابل بازیابی است. در این نسخه، ترجمه متن عربی این اثر به زبان اردو همراه با توضیحاتی در حاشیه اوراق آن وجود دارد. در پایان نسخه، معرفی مختصر کتاب و مؤلف آن به همراه تصحیح خطاهای نگارشی برخی از واژگان آمده است (بنگرید: ابواسحاق دهلوی، تنویر العینین فی إثبات رفع الیدین، نسخه خطی، برگ ۱۳۸-۱۴۲). این کتاب با رویکرد فقه حنفی در مقام اثبات سنت بودن (غیرمؤکد) بالابردن دستان در آغاز و رکوع نماز و... است و به هر مقداری که نمازگزار موفق به انجام آن شود، ثواب داده خواهد شد؛ از این رو بر تارک آن عقاب و سرزنشی نخواهد بود (همان، برگ ۳-۴) و در ادامه به نقد و ارزیابی احادیث این باب در جوامع حدیثی و فقهی می‌پردازد.

۲. دکتر حسن ازهری در چاپ اول عربی کتاب سیرة الامام البخاری، شرح حال مختصری از عبدالسلام مبارکفوری را در جستار «ترجمة المؤلف» گزارش کرده است، بستوی این شرح حال را با افزودن نکاتی بر آن در چاپ دار عالم الفوائد بازنشر کرده است (بنگرید: عبدالسلام مبارکفوری، سیرة الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۹-۲۵). در نگارش این جستار، از این منابع و مقدمه پسر مبارکفوری بر کتاب سیرة الامام البخاری و اشارات خود مبارکفوری در کتابش بهره بردیم.

۲-۱. استادان

مبارکفوری از اهل حدیث و سلفیان معاصر هند و از مشهورترین شاگردان ابوعلی محمد عبدالرحمن مبارکفوری (۱۲۸۳-۱۳۵۳ق) بود. فریوائی، مبارکفوری را در شمار پیروان مدرسه حدیثی سیدنذیر حسین دهلوی (۱۲۲۰-۱۳۲۰ه) و حسن بن محسن انصاری در هند نیز معرفی می‌کند (عبدالرحمن فریوائی، الحركة السلفية ودورها فی إحياء السنة، ص ۴۹؛ به نقل از: تذکرة علمائی حدیث هند، ج ۱، ص ۳۲۳؛ تذکرة علمائی حال، ص ۲۹؛ تراجم علمائی مبارکفور، ص ۱۶۷؛ تذکرة علمائی أعظم کره، ص ۱۵۸؛ مقدمة إتحاف النبیه، ص ۲۲).

ازهری از استادان عبدالسلام مبارکفوری در آغاز دانش‌اندوزی او از شخصیت‌هایی چون حافظ عبدالرحیم مبارکفوری (۱۳۳۰ق)، علامه عبدالرحمن محدث مبارکفوری (۱۳۵۲ق)، شیخ حسام‌الدین مئوی (۱۳۱۰ق)، علامه حافظ عبدالله غازیفوری (۱۳۳۷ق) و شیخ عبدالحق کابلی (۱۳۲۱ق) نام می‌برد.

۴۸۳

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

عبدالسلام مبارکفوری اسناد حدیث را نزد حدیث‌دان سرشناس هند سیدنذیر حسن محدث دهلوی (۱۳۲۰ق) و شیخ قاشی حسین بن محسن یمانی (۱۳۲۷ق) در سال ۱۳۰۹ قمری در دهلی فراگرفت و شیخ محمد مجله‌ی شهری (۱۳۲۰ق) در سال ۱۳۱۳ق به او اجازه نقل روایت داد. او علم طب و حکمت را نزد حکیم عبدالولی لکنوی (۱۳۳۳ق) فرا گرفت (عبدالسلام مبارکفوری، سیرة الامام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۱۹-۲۰).

مبارکفوری تحت تأثیر اندیشه‌های استادانش و ملتزم به اندیشه فکری شاه اسماعیل دهلوی بود که به احیای حدیث و سلفیه‌گرایی در شبه‌قاره هند تعصب شدیدی داشت.

۳-۱. تلاش‌ها و کوشش‌ها

۱-۳-۱. تبلیغ و تدریس

ازهری در جستار «نشاطه فی مجال الدعوة والتوجیه» به فعالیت‌های تبلیغی عبدالسلام مبارکفوری پرداخته است. او تأکید می‌کند مبارکفوری از شمار عالمانی بود که در پاسخ به شبهات و خرافات علیه اسلام حساس بود، در دعوت مردم به پیروی از آموزه‌های قرآن و سنت اهتمام ویژه‌ای داشت، هر سال بارها و پیاپی در نشست‌ها و کنگره‌های گروه اهل حدیث که در سراسر هند برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد و بیش از همه نقش مهم و

اثرگذاری در ارشاد و دعوت مردمان روستای مبارکفور داشت. همچنین در دعوت مردمان ناحیه کونده که آشنایی عمیقی با آموزه های اسلامی نداشتند، بسیار فعال بود و مردمان این منطقه همواره یاد و نام او را در خاطر خود دارند (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۲۴).

عبدالسلام مبارکفوری در امر تدریس در مدارس مختلف هند نیز بسیار کوشا بود و در این مسیر سفرهای متعددی به نقاط دور و نزدیک هندوستان داشت. فریوائی نقش او را در این عرصه چنین به تصویر می کشد:

«العلامة المحدث عبدالسلام المبارکفوری: (م ۱۳۴۲ هـ) من كبار الدعاة إلى السنة والسلفية، ...، تولى مسند التدريس فى مدرسة صادقفور السلفية، ورحل إلى بلاد الهند وأنشأ هناك مدارس، وتصدر للتدريس فى المدرسة الرحمانية بدھلی» (عبدالرحمن فریوائی، الحركة السلفية ودورها فى إحياء السنة، ص ۴۹؛ به نقل از: تذكرة علمائى حديث هند، ج ۱، ص ۳۲۳؛ تذكرة علمائى حال، ص ۲۹؛ تراجم علمائى مبارکفور، ص ۱۶۷؛ تذكرة علمائى أعظم کره، ص ۱۵۸؛ مقدمة إتحاف النبیه، ص ۲۲).

مبارکفوری در مدرسه احمدیه در منطقه آره، مدرسه صادق فور در بتنه به مدت پانزده سال، مدرسه عالی مئو به مدت سه سال، مدرسه سراج العلوم بوندیهار کونده چهارسال و در دارالحديث رحمانیه دهلی تا پایان عمر به تدریس پرداخت و شاگردان زیادی را در طول این مدت از سراسر هند آموزش داد. او در کنار تدریس و تربیت طلاب و دانشجویان، از استعداد ویژه ای در تألیف برخوردار بود (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۲۰).

۱-۳-۲. تألیف

عبدالسلام مبارکفوری هرچند در تدریس بسیار کوشا و پویا بود، به تألیف نیز اشتغال داشت؛ ولی بسان تدریس و تبلیغ از کارنامه ای پُربرگ و بار در تألیف برخوردار نیست. همه آثار او به زبان اردو است و کتابی به زبان عربی از وی شناخته شده نیست. تاریخ، تصوف و مسائل فقهی موضوعات اصلی کتاب های او هستند. در نگاه طرفداران عبدالسلام مبارکفوری، نگاهته های او از اصالت و عمق پژوهش، رسایی در بیان و دقت در تحلیل حکایت دارند؛ از جمله علامه

سید سلیمان ندوی (۱۳۷۳ق) در یادداشت خود بر کتاب سیره الامام البخاری اشاره می‌کند که مبارکفوری در ادبیات دینی به زبان اردو از بهترین و رساترین قلم در بیان مطالب برخوردار بود؛ همچنین دیگران به این ویژگی قلم و بیان مبارکفوری اذعان داشته‌اند.

مبارکفوری از جمله عالمان شبه‌قاره هند بود که در پاسخ به شبهات و مبارزه با کژاندیشان دست به قلم برد و هر هفته در نشریه «اهل حدیث امرتسر» یادداشت‌های کوتاه او منتشر می‌شد. در این میان مبارکفوری به معرفی شرح حال دانشیان اهل حدیث بسیار علاقمند بود؛ از این رو در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ میلادی شرح حال ۸۲ عالم را در نشریه پیش‌گفته منتشر کرد.

او به تصوف اصیل اسلامی در نگاشته‌هایش توجه داشت؛ ولی با تصوف معاصر مخالف بود و با روش علمی دقیق آن را در کتاب‌هایش نقد می‌کرد (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۲۰-۲۱) و در بخشی از کتاب سیره الامام البخاری به نقد تصوف رایج در شبه‌قاره هند و دفاع از تصوف اصیل مسلمین پرداخت (نک: عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۲۴۰).

کتاب‌ها

مبارکفوری در مجموع نتوانست بیش از پنج عنوان کتاب تألیف کند؛ عناوین و موضوعات این آثار عبارت‌اند از:

الف) سیره الإمام البخاری

این کتاب معروف‌ترین تألیف مبارکفوری در شرح حال محمد بن اسماعیل بخاری، دفاع از شخصیت بخاری و کتاب الجامع الصحیح اوست. مبارکفوری با تألیف این کتاب شهرت یافت؛ زیرا از مهم‌ترین کتاب‌های مبارکفوری به زبان اردو در معرفی بخاری و دفاع از کتاب الصحیح او در مقابل منتقدان بخاری است که در شبه‌قاره هند با نگارش ردیه‌ها و نقدهای کوبنده خود علیه بخاری و کتاب الصحیح او، جریان سلفیه و اهل حدیث هند را با چالش جدی روبرو کرده بود؛ از جمله علامه شبلی نعمانی (۱۳۳۲ق) که مبارکفوری کوشید نقدها و شبهات او علیه بخاری را پاسخ دهد. در این پژوهش به معرفی، تحلیل و نقد این اثر می‌پردازیم.

ب) تاریخ المنوال

کتاب تاریخ المنوال و أهله مبارکفوری به موضوع مساوات در اسلام با بیان حقایق تاریخی می‌پردازد و هرگونه تمایز مبتنی بر نژاد را نفی می‌کند. این اثر تاریخی در برخی از وبگاه‌ها به پسر مبارکفوری، عبیدالله بن عبدالسلام (۱۳۲۷-۱۴۱۴هـ) نیز نسبت داده شده است. عبیدالله مبارکفوری با تألیف کتاب مرعاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح در عرصه حدیث پژوهی شهرت یافت و مقدمه کوتاهی بر کتاب سیره الامام البخاری پدرش نیز نگاشت.

ج) أولیاء الله والتصوف

موضوع این کتاب، عرفان و تصوف است. محتوای این اثر پیش‌تر به شکل مقالاتی در هفته‌نامه «اهل حدیث هند» منتشر شد و سپس با تحقیق دکتر فواز عبدالعزیز مبارکفوری به شکل کتاب نشر یافت. عبدالسلام مبارکفوری در این اثر، رویکرد انتقادی به تصوف رایج در شبه‌قاره هند دارد.

د) المطر المصیب للتفریق بین الغذاء الطیب والروح الخبیثة

این کتاب به دستور شیخ الإسلام ثناء الله أمرتسری در رد پنداره جواز سماع و غناء تألیف شد که میان جریان‌های تصوف و عرفان هند رواج و شیوع داشت. این اثر تا کنون چاپ جدیدی نشده است و همچنان به شکل مخطوط باقی مانده است.

ه) الأجوبة للأسئلة العشرة

این اثر مخطوط در دفاع از علی حسین الأشرفی شیخ الزاویة الأشرفیة در امبیدکر نگر در ولایت اترپردیش نگاشته شد.

دو کتاب التمدن و کتاب التصوف مبارکفوری هم هنوز منتشر نشده است.

مقالات

مقالات نشریافته مبارکفوری در نشریه «اهل حدیث» شهر أمرتسر اگر گردآوری و منتشر شوند، به چند جلد خواهد رسید (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، مقدمه ازهری، ص ۲۲).

به جز مقالات و کتاب سیره الامام البخاری، دیگر نوشته‌های مبارکفوری چاپ نشده‌اند. از چند و چون، حجم و برگ آثار مخطوط او اطلاعات بیشتری موجود نیست؛ ولی به نظر می‌رسد چندان پُربرگ و بار نیستند و اگر چنین بود، فرزندش عبیدالله همانند کتاب سیره الامام البخاری به تحقیق و انتشار آنها اهتمام می‌ورزید.

۴-۱. جایگاه

در تحلیل جایگاه علمی عبدالسلام مبارکفوری توجه به نکات ذیل ضروری است:

الف) از مبارکفوری در عنوان کتاب سیره الامام البخاری با لقب علامه یاد شده است. شاید این لقب در گرایش و پذیرش ناآشنایان با این کتاب و مؤلف آن مؤثر افتد؛ زیرا در گفتمان علمی رایج در ایران و کشورهای عربی کاربرد لقب علامه برای یک شخص به معنای فرزاندگی ممتاز و جامعیت او در علوم و فنون است؛ بنابراین وجود این لقب بر تارک اسم یک نویسنده، از ارزش علمی و آثار روانی در اقبال مخاطبان به یک کتاب و قبول اندیشه‌های مؤلف آن دارد.

۴۸۷

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

پرسش این است که آیا به واقع مبارکفوری، علامه‌ای ذوفنون، فرزانه جامع علوم معقول و منقول و مبتکر نظریه‌های بدیع در علوم اسلامی بود که شایسته لقب علامه باشد؟ بر اساس نتایج بررسی آثار مکتوب و عملکرد علمی مبارکفوری، پاسخ این پرسش منفی است؛ زیرا او دارای نظریه‌ای ویژه در هیچ‌یک از علوم نبود و بیشتر در کسوت تدریس و تبلیغ حضور داشت و کتاب‌های او نیز با رویکرد ترویجی و ایدئولوژیک نوشته شده است و دربرگیرنده نوآوری و ابتکار نیست و بیشتر تکرار مکررات جریان فکری اهل حدیث و سلفیه معاصر در مخالفت با عقل‌گرایان و نواندیشان دینی است.

لقب علامه برای عبدالسلام مبارکفوری از سوی مترجم و محقق کتاب سیره الامام البخاری و اثرپذیرفته از گفتمان انتقادی سلفیه رایج در شبه‌قاره هند علیه نواندیشان دینی در آغاز نام مبارکفوری به کار رفت.

گفتنی است لقب علامه در فرهنگ و گفتمان رایج نزد اهل حدیث و سلفیان هندوستان به سیاردانی و تخصص در حدیث و فقه دلالت دارد و به معنای شناخته‌شده آن (ذوالفنون والعلوم و فرزانه جامع معقول و منقول) نیست؛ زیرا گستره آگاهی عبدالسلام

مبارکفوری بیش از حدیث و فقه و اندکی تصوف و عرفان آن هم با گرایش تاریخ‌توصیفی نبود و بیشتر روزگار خود را به تدریس در مدارس اشتغال داشت و دیدگاه‌های بدیع و ابتکاری نیز از او در کتاب‌ها و گفتارهایش ارائه نشده است؛ از این رو نباید لقب علامه را به معنای رایج آن در گفتمان علم دینی در ایران معنا کرد که به نوادری انگشت‌شمار اطلاق شده است و مدت عدیدی است که پایان دوران علامه بودن در علوم فرا رسیده است؛ ولی مترجم همسو و ناشران همدل این اثر با اطلاق لقب علامه بر مبارکفوری توانسته‌اند کتاب سیره الامام البخاری را اثری فاخر، خواندنی و البته خریدنی معرفی کنند!^(۱)

مطالعه عمیق و نقد دقیق این کتاب آشکار می‌کند که مبارکفوری در این کتاب بیشتر در کسوت‌گزینش‌کننده متون تاریخی همسو با ذهنیت سلفیه هند از تصویر بخاری عمل کرده است و تحلیل ژرف و نوآمدی در این اثر حتی در تتبع و تحقیق نیز مشاهده نشد؛ زیرا به گفته خود مبارکفوری او این اثر را از چند منبع پیش از خود گردآورده است تا اردوزبانان را با شخصیت بخاری آشنا کند. در دیگر نوشته‌های مبارکفوری نیز نظریه‌پردازی بدیعی انجام نداده است تا او را شایسته لقب علامه کند و اگر در واقع چنین بود، به یقین تا کنون آثار را نیز منتشر کرده بودند.

ب) بررسی روند تاریخی انتشار کتاب‌های مربوط به شرح حال بخاری در سده اخیر گویای این نکته مهم تاریخی است که نام عبدالسلام مبارکفوری میان پژوهشگران مسلمان در سی سال اخیر و با انتشار ترجمه عربی کتاب او با عنوان سیره الامام البخاری شناخته شد. پیش از انتشار و ترجمه این اثر او به زبان عربی و انگلیسی، مبارکفوری میان پژوهشگران عرب‌زبان و خاورشناسان مشهور نبود، بلکه بیشتر در شبه‌قاره هند و نزد اردوزبانان در جایگاه یک مدرس و مبلغ سلفی شناخته شده بود؛ زیرا سخنرانی‌ها، تدریس‌ها، مقالات و کتاب‌های او همگی به زبان اردو بود و به دلیل حضورنداشتن در کنگره‌های بین‌المللی خارج از هند، چهره شناخته شده‌ای نبود. مبارکفوری همانند دیگر سلفیان شبه‌قاره هند از شورمندی ویژه‌ای در تبلیغ و گسترش اندیشه‌های سلفیه برخوردار بود؛ او از تدریس، تبلیغ و سخنرانی بیشترین بهره را در این مسیر برد و اندکی نیز به تألیف کتاب پرداخت؛ ولی به اندازه دیگر کوشش‌ها و تلاش‌های او نبود. سیره الامام البخاری معروف‌ترین کتاب مبارکفوری در شرح حال محمد بن اسماعیل بخاری است که با تألیف آن در شبه‌قاره شهرت یافت و با ترجمه این اثر توسط بستوی به عربی میان محققان جهان اسلام نام او مطرح شد.

سویه دیگر شهرت او، تلاش برای پاسخ به نقدها و شبهاتی است که شبلی نعمانی علیه بخاری مطرح کرده است. به هر حال اهتمام عبدالسلام به شخصیت بخاری و دفاع از او در مقابل منتقدان و ترجمه کتابش به زبان عربی نقش اساسی و مهمی را در شهرت عبدالسلام مبارکفوری داشت و اگر این کتاب نبود، مبارکفوری همچنان گمنام می ماند؛ آن گونه که دیگر کتاب های او توفیق ترجمه و تحقیق را نیافتند؛ ولی تنها تألیف او درباره بخاری به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه و با تعلیقات و تحقیقات گسترده منتشر گردید و این چنین نام او را از کنج عزلت به اوج شهرت رسانید.

دفاع از بخاری و نقد شبلی نعمانی در روزگار مبارکفوری اندکی جرئت و جسارت علمی می طلبید؛ زیرا او با تألیف کتاب سیره الامام البخاری خود را در معرض نقد دیگران قرار داد و چنین پنداری را برانگیخت که مبارکفوری بسیار دان است؛ در حالی که محتوای این کتاب در افق امروز مطالعات تاریخ تحلیلی و انتقادی خلاف آن را اثبات می کند و نشان می دهد مبارکفوری فقط در محدوده چند منبع تاریخی و حدیثی این کتاب را تألیف کرده است و خودش نیز در کتاب به چالش دسترسی به منابع و مصادر اذعان دارد و اگر نبود حمایت های یک کتابخانه در هند، او ناتوان از این تألیف بود؛ زیرا تاریخ و تراجم را در مدارس حدیثی هند فرا نگرفته بود و نمی توانست از محفوظات یا دروس استادان خود چنین پژوهشی را به قلم بیاورد.

۱-۵. مرگ

عبدالسلام مبارکفوری به خرید کتاب و مطالعه بسیار علاقه داشتو در دوران اقامت خود در دهلی کتاب های جدیدی می خرید؛ اما در یکی از روزها هنگام مراجعه از بازار کتاب فروشان و عبور از خیابان «جانندی جوک»، اسب افسارگسیخته ای به سویش روان شد و با درشکه از روی بدن او عبور کرد و بر اثر ضربات سم پای اسب و عبور درشکه، جسم او جراحات های عمیقی برداشت که پزشکان از درمان او ناتوان شدند و پس از مدتی در ۱۸ رجب سال ۱۳۴۲ هجری از دنیا رفت (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۲۳).

نسل مبارکفوری در فرزندان و نوادگان او تداوم یافت و برخی از ایشان در عرصه حدیث و طب اشتغال دارند؛ از جمله عبیدالله مبارکفوری که مقدمه ای کوتاه بر کتاب سیره الامام مبارکفوری نگاشت و در شرح حدیث نیز کوشاست (بنگرید: همان، ج ۱، ص ۲۵).

۲. کتاب شناخت سیره الإمام البخاری

این بخش به تحلیل عنوان، سال نشر، زمانه مؤلف، انگیزه‌ها، منابع مؤلف، ترجمه‌ها، ساختار و مقدمه‌های کتاب سیره الإمام البخاری عبدالسلام مبارکفوری اختصاص دارد و هدف از آن ارائه شمایی کلی از این کتاب است.

۲-۱. عنوان

در تحلیل عنوان کتاب سیره الإمام البخاری نکات ذیل شایان درنگ است: الف) عنوان کامل کتاب عبدالسلام مبارکفوری در نسخه چاپ شده از سوی دار عالم الفوائد مکه سیره الإمام البخاری با عبارت (سیدالفقهاء و امام المحدثین) در ذیل آن است. به نظر می‌رسد ناشر از قراردادن این عبارت در داخل نشانک [(—)] قصد دارد این نکته را به خواننده القا کند که عنوان اصلی کتاب همان سیره الإمام البخاری است و عبارت ذیل آن افزوده مترجم، محقق یا ناشر کتاب است. البته این افزوده با رویکرد مبارکفوری به شخصیت بخاری در این کتاب همسوست؛ زیرا مشابه همین تعابیر را مبارکفوری بارها درباره شخصیت علمی بخاری به کار برده است (در ادامه به آنها اشاره خواهیم داشت) و چه بسا ناشر یا مترجم آن را از عبارات مبارکفوری اخذ و بر تارک عنوان کتاب نهاده است. در مقدمه دکتر ازهری بر چاپ اول ترجمه عربی (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الإمام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۲۳) و مقدمه فرزند مبارکفوری بر چاپ دوم این اثر به زبان اردو (همان، ج ۱، ص ۲۹) عنوان کتاب «سیره البخاری» بدون هیچ افزوده دیگری یاد شده است. از این دو مقدمه چنین برمی‌آید که تا زمان چاپ بستوی در دار عالم الفوائد، این کتاب با همان عنوان اصلی و اولیه خود یعنی «سیره البخاری» منتشر می‌شد و مترجم اثر به زبان عربی است که در چاپ جدید در عنوان کتاب تصرف می‌کند و کلمه «الإمام» را در نام اصلی کتاب درج می‌نماید و عبارت (سیدالفقهاء و امام المحدثین) را ذیل آن افزوده است.

این اقدام مترجم و موافقت ناشر با آن با شیوع رویکرد سلفیه‌گرایی عربستان و اوج گرفتن جریان نقد بخاری و لزوم پاسخ سلفیان به آن در روزگار انتشار این اثر در این کشور همسویی لازم را دارد و چنین اقدام‌هایی از سوی سلفیه در این مقطع تاریخی درک‌پذیر است؛ زیرا هویت این جریان که وابستگی زیادی به بخاری دارد، از سوی جریان انتقادی

۴۹۰

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

حدیث به شدت تضعیف شده است و سلفیان به عنوان اقدام متقابل تلاش دارند بیش از پیش جایگاه بخاری را در پیشادید نسل جدید پیروان خود ارتقا بدهند.

ب) وجود این افزوده ذیل کتاب سیره الامام البخاری بسیار معنادار و شایسته درنگ و تحلیل است؛ زیرا این عبارت گویای این مهم است که بر اساس دیدگاه مؤلف این کتاب، بخاری از جایگاهی فرازمند میان فقیهان و محدّثان برخوردار است و این کتاب به شرح حال چنین شخصیت ممتاز و فاخری در فقه و حدیث پرداخته است.

مقدم کردن تعبیر «سیدالفقهاء» نیز بر این نکته تاکید می‌کند که بخاری افزون بر اینکه فقیه و مجتهد در دانش فقه بود، میان فقیهان نیز از شمار فرازمندان ایشان بود و سروری و سیادت فقیهان به بخاری اختصاص دارد و فقیهان نامدار دیگر در تراز و رتبه بخاری در فقه نبودند! ادعایی که در ذهن پژوهشگران تاریخ فقه و فقها می‌تواند بحران جدی و چالش عمیق ایجاد کند؛ زیرا بخاری در کسوت فقیه از چنین جایگاهی در تاریخ فقهی تراز مذاهب فقهی برخوردار نبود و کتاب الصحیح بخاری و دیگر آثار او در تراز اندیشه‌ها و آثار فقیهان نامدار پیش و معاصر او نبودند؛ بنابراین اینکه امروزه از بخاری در جایگاه سید فقیهان یاد می‌شود و بر تارک نام کتاب‌های مدافعان بخاری جای می‌گیرد، بسیار تأمل برانگیز است!

ج) بر اساس توجه به اصل آوای متعارض در گفتمان کاوی تحلیلی و دلالت‌های گفتمانی انگاره‌ها که خود را در تعبیر و اصطلاحات نمایان می‌سازند، عبارت «سیدالفقهاء و امام‌المحدّثین» ذیل عنوان کتاب مبارکفوری به دیدگاه رقیبی دلالت دارد که جایگاهی برای بخاری در دانش فقه و اجتهاد فقهی قائل نیست و گویی این کتاب در مواجهه انتقادی با این صدای مخالف به رشته تحریر درآمده است یا مترجم و محقق این کتاب را در تقابل و پاسخ به این نظریه رقیب دانسته‌اند. این تحلیل شاهد استواری از متن کتاب نیز دارد؛ زیرا مبارکفوری در موارد متعددی در کسوت مدافع و حامی در مقام پاسخ به نقد کسانی درآمده است که بخاری مجتهد در فقه نبود و تلاش وافر می‌کند تا نشان دهد که بخاری فقیه مستقل و در فراز فقه بوده است! (بنگرید: مبارکفوری، سیره الامام البخاری، جلد دوم)؛ بنابراین با مطالعه دقیق و البته کامل این کتاب راز افزوده ذیل عنوان اصلی آن برای خواننده آشکار می‌شود.

۵) در سده اخیر به دلیل تشدید نقدها و مناقشات علیه کتاب الصحيح بخاری، بازشناسی و تبیین اندیشه‌های حدیثی بخاری به جریانی پویا و گسترده در پژوهش‌های حوزویان و دانشگاهیان جهان اهل سنت و تشیع تبدیل شد و ابعاد متنوع آن، مسئله و موضوع تحقیق و نقد پژوهشگران و نهادهای دینی متعددی جهان اسلام قرار گرفت. این جریان نوپا شتابان و فزاینده در حال تکاپوست و نظر به تنوع ابعاد مختلف دانش‌های حدیثی، از گستره وسیعی برخوردار است که از شرح حال نگاری بخاری آغاز و تا پاسخ به نقدها و شبهات علیه اندیشه‌های حدیثی و فقهی او در کتاب الجامع الصحيح را پوشش می‌دهد. مطالعات فقه بخاری از جمله پژوهش‌های ذیل اندیشه‌شناسی بخاری است که بخاری را به مثابه یک فقیه موضوع مطالعه قرار می‌دهد و به شبهه مهم فقیه نبودن بخاری و سستی استنباط‌های فقهی او از ادله و نصوص دینی پاسخ می‌دهد.

مطالعات فقه بخاری به پژوهش‌هایی اطلاق می‌شود که مسئله اصلی آنها تبیین جایگاه و آرای بخاری در دانش فقه اسلامی است. مطالعات فقه بخاری در ادبیات گستره بخاری پژوهی به شاخه‌ای از اندیشه‌شناسی بخاری می‌پردازد که تصویری روشن و دقیق از رابطه بخاری با دانش فقه نشان دهد، نوع و تراز اجتهاد فقهی بخاری را تبیین کند و اعتبار آراء و فتاوی فقهی بخاری را ارزیابی نماید. مهم‌ترین سویه‌های مطالعات فقه بخاری عبارت‌اند از: مبانی فقهی، قواعد استنباط، روش و رویکرد اجتهادی، آرای فقهی، گونه‌شناسی پژوهش‌های فقه بخاری. کتاب سیره الامام البخاری مبارکفوری در این رده از مطالعات صحیح بخاری طبقه‌بندی می‌شود و درک مترجم و محقق از هدف و غرض مؤلف آن درست بود و خواسته است که آن را در عنوان کتاب انعکاس دهد.

۲-۲. سال نشر

چاپ نخست کتاب سیره الامام البخاری مبارکفوری به زبان اردو در سال ۱۳۲۹ هجری (یازده سال پیش از مرگ مؤلف) انجام شد. چاپ دوم کتاب به زبان اردو نیز در سال ۱۳۶۶ هجری بود که بیست و چهار سال پس از مرگ مؤلف به همراه مقدمه کوتاهی از فرزندش عییدالله است (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۲۹). این اثر پیش از ترجمه به عربی چهار نوبت به زبان اردو منتشر شده بود (همان، ج ۱، ص ۱۲).

۲-۳. زمانه مؤلف

عبدالسلام مبارکفوری کتاب سیره البخاری را در زمانی نگاشت که شبه‌قاره هند تحت سلطه و استثمار بریتانیای کبیر بود. انگلستان در این دوره تاریخی شیوه‌های متنوع استعمار را در هند به کار برد؛ از جمله در تشکیک و زدودن ریشه‌های دین‌ورزی در هندوستان بسیار کوشید؛ زیرا پیش از سلطه انگلستان بر هند، این سرزمین بزرگ و پهناور به مدت هفت قرن تحت سلطه و حکومت مسلمانان قرار داشت؛ از این رو حکمرانی مسلمانان بر هند از جمله تاریخ و فرهنگ جدایی‌ناپذیر هندوستان بود.

هم‌نوایی نسل جدید جوانان مسلمان هند با دیرینه و پیشینه نیاکان مسلمان خود در این سرزمین با منافع استعماری انگلستان در هند تعارض آشکاری داشت؛ بنابراین بریتانیای کبیر در تضعیف و از بین بردن معنویت‌گرایی اسلامی در میان آحاد مسلمانان هندوستان بسیار کوشید و به نقد بنیان و بنیادهای اسلام‌گرایی در هند پرداخت. در این میان بیش از همه اهل حدیث هندوستان آماج تهدید، تبعید، حبس، آزار و اذیت و ترورهای انگلستان قرار گرفت؛ زیرا به وهابیت‌گرایی و دعوت به جهاد علیه دولت بریتانیا در هندوستان متهم بودند و شمار زیادی از ایشان به دست نیروهای انگلیس کشته شدند که بر اساس برخی از پژوهش‌ها تعداد ایشان نزدیک به نیم‌میلیون نفر تخمین زده شده است.

در عرصه استعمار فرهنگی نیز ترویج آیین مسیحیت و نقد آموزه‌های دین اسلام از سوی دولت انگلیس در سراسر هند مورد حمایت جدی قرار گرفت؛ همچنین از سوی مسیحیان منتقد اسلام شبهات و نقدهای زیادی علیه اصالت قرآن کریم، شخصیت رسول خدا (ص)، اعتبار احادیث اسلامی در کنگره‌ها، همایش‌ها و نشست‌های معروف به مجالس مناظره مطرح گردید. شبهات و نقدهای مخالفان اسلام سراسر هند را فراگرفت و عقاید مسلمانان هند تضعیف شد.

در تقابل با جریان نقد اسلام، جنبش نوین دینی هند به بازخوانی میراث اسلامی و ارائه قرائتی همسوی با عقلانیت مدرن از آن پرداخت تا بتواند اصالت و اعتبار آموزه‌های اسلام خود را همسو با تحولات فکری و اجتماعی غرب (که از سوی انگلستان در در هندوستان در حال توسعه و تثبیت بود) حفظ کند. اهل حدیث هند با رویکرد نواندیشی

دینی و نوگرایی مذهبی میانه خوبی نداشت و همچنان به پیروی از سلف و سنت گذشته تأکید و اصرار داشت؛ بنابراین جریان اهل حدیث اکنون افزون بر انگلستان با مخالفانی از درون جامعه اسلامی هند نیز مواجه بود و باید به همه این شبهات و هجمه‌ها علیه خوانش خود از اسلام پاسخ می‌داد؛ اسلامی که بیش از همه بر اندیشه سلف و احادیث صحابه و تابعین و اقوال ایشان استوار بود.

در این موقعیت فرهنگی و فضای تاریخی جریان اهل حدیث به ریاست شیخ ثناء الله امرتسری و با همکاری شاگردان او به تنهایی سی‌وشش کتاب در رد اندیشه‌های قادیانیه نگاشتند، صدها مقاله در دو نشریه وابسته به اهل حدیث با عناوین «هفته‌نامه اهل حدیث» و نشریه «مسلمان» منتشر کردند، در بیش از هزار مناظره شرکت جستند و به دفاع از اسلام اهل حدیث پرداختند و به شبهات مخالفان این جریان از دیگر فرقه‌های اسلامی نوظهور در هند پاسخ دادند.

مسلمانان شیعه هند (همانند دو جریان قادیانیه و بریلوی) هم‌صدا با دیگر منتقدان سلفیان و اهل حدیث علیه الجامع الصحیح بخاری نقدها و شبهاتی مطرح کردند و اهل حدیث هند به ناچار به این شبهات پاسخ می‌دادند؛ از این رو کتاب‌هایی در دفاع از سنت و الجامع الصحیح بخاری نگاشتند؛ زیرا الجامع الصحیح بخاری مشهورترین، بزرگ‌ترین و صحیح‌ترین کتاب در موضوع سنت است و شخص بخاری نیز از شناخته‌شده‌ترین محدثانی بود که آماج هجمه‌ها و نقدهای دشمنان اسلام و منکران حدیث قرار گرفته بود (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۷-۱۰).

در این موقعیت اسفناک و دهشتناکی که انگلیس استعمارگر برای هندوستان رقم زده بود، گروه‌ها و جریان‌های فکری از مذاهب و فرقه‌های اسلامی بر تعصبات مذهبی خود پای می‌فشردند و بر توسعه دامنه آتش اختلاف با یکدیگر دامن می‌زدند و به جای اتحاد کلمه در مقابله با دشمنان اسلام و منکران سنت، با اهل حدیث هند از سر دشمنی و ناسازگار برآمدند و آنها را به افراطی‌گری، وهابیت‌گرایی و خوارج‌اندیشی متهم کردند.

انگلستان نیز از این حربه‌ها در کشتار و ترور، تبعید و حبس اهل حدیث هندوستان بهره می‌برد. این گروه‌ها به نقد و طرد بخاری اهتمام جدی داشتند؛ برای نمونه کتاب الجرح علی البخاری را تألیف کردند که نویسنده در آن بخاری و کتابش الجامع الصحیح را به

سخره گرفته است. در این شرایط بحران زده و اختلاف انگیز، عبدالسلام مبارکفوری در دفاع از سنت و پاسخ به شبهات علیه حدیث و محدثان، کتاب سیره البخاری را در دفاع از بخاری تألیف کرد.

بنابراین بازتاب شماری از مناقشات و شبهات علیه اندیشه‌های حدیثی بخاری در کتاب مبارکفوری امری عادی و طبیعی است؛ ولی به ادعای دکتر بستوی، رویکرد انتقادی او علیه منتقدان بخاری سبب نشد که کتاب مبارکفوری از روح علمی و موازین پژوهش فاصله بگیرد، بلکه عبدالسلام مبارکفوری فراتر از این اختلاف‌ها و نزاع‌های فکری با رویکردی ایجابی، پژوهشی عمیق و گیرا با بیانی ساده و روان و با این وجود دقیق و درست ارائه کرد تا بهره‌گیری از دستاورد کتابش برای همگان (اعم از متخصصان و مردمان عادی) آسان و ساده باشد.

در نگاه دکتر بستوی، مبارکفوری از تألیف کتاب سیره البخاری قصد هجمه و حمله به شخصی را نداشت مگر در مواردی که از روی اضطرار ناگزیر است به اقتضای نقد، دیدگاه خود را بیان نماید و از بخاری در مقابل منتقدان دفاع کند (نک عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۰-۱۲)؛ به هر حال فضای حاکم بر روزگار و زمانه مبارکفوری در انگیزه‌ها و اهداف تألیف کتاب سیره البخاری تأثیر زیادی گذاشت.

۲-۴. انگیزه تألیف

انگیزه‌های مبارکفوری از تألیف کتاب سیره البخاری عبارت‌اند از:

الف) در نگاه مبارکفوری پیش از تألیف کتاب او، نظر به جایگاه بلند بخاری در دانش حدیث و رجال بیش از صدها کتاب درباره شرح حال او به زبان‌های مختلف دنیا نگاشته شده بود؛ ولی کتابی به زبان اردو درباره شخصیت و اندیشه‌های بخاری وجود نداشت و این ظلم بزرگی بود که زبان اردو از این گنج ارزشمند محروم باشد. به ادعای مبارکفوری، در روزگار وی نزدیک به شصت و پنج میلیون مسلمان به زبان اردو سخن می‌گویند و به جز تعدادی انگشت‌شمار از ایشان، همگی دوستی بخاری را در دل و قلب خود دارند و ناگزیر ایشان را باید با شخصیت بخاری آشنا کرد (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۹).

ب) مبارکفوی مدعی است در روزگار او افرادی کوتاه فکر و کژاندیش پیدا شده‌اند که با پیروی از نیاکان خود به نقد و نقض اندیشه‌های بخاری اهتمام دارند؛ همچنین مطالبی را به بخاری نسبت می‌دهند که اساسی ندارند و نمی‌توانند برای آنها سند و مدرکی ارائه کنند؛ ولی به ترویج آن اهتمام دارند، هر چند به نیکی می‌دانند که نتیجه پاشاندن خاکستر بر صورت آفتاب چیست؟ (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۴۰) بنابراین او کتاب خود را به منظور پاسخ به این مخالفان بخاری نگاشت که از جمله پاسخ به نقدهای شبلی نعمانی علیه بخاری در کتاب سیره النعمان است که مبارکفوری در سراسر کتابش آن را به بوته نقد سپرده است.

۲-۵. منابع مؤلف

مبارکفوری تصریح دارد مدت طولانی در اندیشه بود تا شرح حال بخاری را در کتابی تألیف کند؛ ولی ناتوانی علمی و کمبود منابع او را از گام نهادن در این مسیر بازمی‌داشت تا اینکه روزی این علاقه و انگیزه خود را بر علامه ابوطیب محمد شمس الحق عظیم‌آبادی گفتم و او مرا به این امر تشویق کرد؛ همچنین کتاب‌های زیادی را در اختیارم قرار داد و سپس با شهرهای دوردست نامه‌نگاری کرد تا منابع را در اختیار بنده قرار بدهند و به طور مداوم کتاب‌های خطی و چاپی زیادی را برایم می‌فرستاد. در این میان منابع موجود در کتابخانه خان بهادر خدابخش، فرصتی کم نظیر و غنیمتی بی نظیر بود. سوگ مندانه باید بگوییم که برای بنده میسر نشد که به همه منابع دسترسی پیدا کنم؛ اما کتاب‌های علامه عظیم‌آبادی و کتابخانه خان بهادر خدابخش مرا در تألیف این کتاب بسیار یاری رساند (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۴۰). او در ادامه به فهرست کتاب‌های خطی می‌پردازد که از آنها بهره برده است و اسامی آنها را نام می‌برد (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۴۱-۴۲). در این میان از نسخه خطی کتاب فوائد الدراری فی ترجمة البخاری اسماعیل عجلونی یاد می‌کند که از کتابخانه بهادرخان خدابخش در اختیار او قرار گرفت که در نگاه عبد السلام مبارکفوری کتابی جامع و فراگیر در شرح حال بخاری بود؛ به همین دلیل فراوان در تألیف اثر خود از آن بهره برده است (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۴۲-۴۳). سپس به معرفی مصادر و منابع خود در تألیف این کتاب می‌پردازد (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۴۴).

۲-۶. رویکرد

دکتر بستوی در مقدمه خود بر کتاب عبدالسلام مبارکفوری، ضمن اشاره به فراوانی بسیار پژوهش‌ها درباره شخصیت و اندیشه‌شناسی بخاری از گذشته تا کنون، مجموعه کتاب‌های نگاشته شده درباره شرح حال بخاری را به دو گونه تقسیم می‌کند:

گونه نخست: کتاب‌هایی که مولفان آنها فقط به گردآوری اخبار تاریخی زندگی علمی بخاری، سخنان و دیدگاه‌های دانشیان درباره شخصیت بخاری بسنده کرده‌اند. این گونه نگاشته‌ها از گذشته تا دوره معاصر شیوع دارد.

گونه دوم: برخی از پژوهشیان زمانه ما به پژوهش و تألیف درباره شرح حال و اندیشه‌شناسی بخاری اقدام کرده‌اند که گونه دوم از کتاب‌های بخاری‌شناسی را به خود اختصاص می‌دهند. کتاب سیره البخاری عبدالسلام مبارکفوری ذیل این قسم قرار دارد؛ زیرا فقط به گردآوری اخبار و اقوال درباره بخاری بسنده نکرده است، بلکه درباره جایگاه، مبانی و آرای بخاری به تحقیق و پژوهش دست زده و شبهات و مناقشات علیه بخاری را نیز پاسخ داده‌اند.

از نگاه دکتر بستوی برای تألیف گونه دوم از این پژوهش‌ها ضروری است که نویسندگان افزون بر تبحر در نگارش زیبا و روان برای انتقال مطلب، ویژگی‌هایی دیگری نیز باید داشته باشند که در همه نویسندگان این نوع از آثار وجود ندارد. از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

یک: همسویی کامل فکری و روشی با اندیشه و روش بخاری در کلام و فقه، و التزام عملی به روش بخاری به منظور اجتناب از اثرپذیری از افکار جریان‌ها و اندیشه‌های اعتقادی مذاهب مختلف.

دو: دوست داشتن خالص و کامل بخاری برای خداوند و آمادگی کامل علمی برای دفاع از بخاری در مقابل نقدها و حمله‌های علیه او به طور خاص و سنت نبوی به طور عام.

سه: انس مُدام و طولانی با بخاری از طریق مطالعه عمیق و دقیق کتاب‌های او به‌ویژه الجامع الصحیح و پژوهشیدن، تدریس، تفسیرکردن و تأملات ژرف در این کتاب برای به دست آوردن گوهرهای ناب معارف اسلامی و آموزه‌های فقهی حیرت‌انگیزی که بخاری

در این کتاب به ودیعه نهاده است. این مهم نه فقط به منظور ارائه یک بحث علمی، بلکه به هدف اعتلای دیانت و پیروی از آموزه‌های اسلامی باید انجام پذیرد.

چهار: آگاهی گسترده از هر آنچه دشمنان بخاری از گذشته تا کنون علیه بخاری و سنت نبوی نگاشته‌اند؛ دشمنانی که از روی کینه و حسادت و به منظور دشمنی با اسلام و سنت نبوی شبهه‌هایی را علیه کتاب الجامع الصحیح بخاری نگاشته‌اند و با این کار خود دست به تخریب سنت زده‌اند؛ زیرا در واقع یکی از معتبرترین منابع سنت را نشانه رفته‌اند (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۶-۷).

بستوی سپس تصریح می‌کند همگی این اوصاف در عبدالسلام مبارکفوری در تألیف کتابش سیره الامام البخاری به شکل کامل و تمام آن وجود دارد؛ زیرا او این کتاب را به دلیل دوستی با خداوند و رسول خدا (ص) و دفاع از سنت نبوی و حاملان آن نگاشت و تحقیقات شگفت‌انگیزی را در آن برای خواننده خود به ارمغان گذاشت که در هیچ کتاب دیگری همانند آنها یافت نشود. او این کتاب را بدون هیچ چشمداشت مالی و در تنگنا و مشقت تألیف و به اردو منتشر کرد.

۲-۷. ترجمه‌ها

کتاب سیره البخاری عبدالسلام مبارکفوری تا کنون به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه شده است و این پژوهش بر اساس ترجمه عربی آن انجام گرفته است. دکتر بستوی مدعی است نظر به این ویژگی‌های مثبت و کم‌نظیر کتاب مبارکفوری بود که از زمان انتشار آن مورد تحسین دانشیان و پژوهشیان قرار گرفت و تا پیش از ترجمه عربی آن چهار مرتبه به زبان اردو بازنشر شد و به زبان انگلیسی نیز ترجمه شد (نک: عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۰-۱۲).

۱. ترجمه عربی

دکتر عبدالعلیم بن عبدالعظیم بستوی (پژوهشگر معاصر مقیم عربستان سعودی) این کتاب را از زبان اردو به عربی ترجمه کرد و تعلیقه‌های متعددی بر آن نگاشت. چاپ نخست ترجمه عربی از سوی انتشارات دار عالم الفوائد مکه مکرمه به سال ۱۴۲۲ هجری منتشر شد.

بستوی پیش از نگارش پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد خود، ترجمه کتاب سیره الامام البخاری عبدالسلام مبارکفوری را از اردو به عربی آغازید و به دلایلی فرایند ترجمه آن تا پایان مقطع دکتری او تداوم یافت؛ زیرا از یک سو اشتغال‌های علمی و اجتماعی مانع بستوی گردید که به طور پیوسته ترجمه را به پایان برساند؛ از این رو ترجمه در فاصله‌های زمانی و گسسته از همدیگر انجام پذیرفت.

کتاب سیره الامام البخاری مبارکفوری نیازمند پژوهش و مراجعه به مصادر و منابع متعدد برای بازیابی و ارجاع مطالب و متون مختلفی بود که مبارکفوری در متن کتاب آنها را از این منابع نقل کرده بود و این مهم به زمانی فراخ و خاطری آسوده برای تحقیق و پژوهش نیز داشت که با شرایط تحصیل بستوی در مقطع دکتری چندان همسو نبود؛ ولی دکتر مقتدی حسن ازهری مدیر بخش سلفیه دانشگاه بنارس^۱ هندوستان (نام دانشگاه بنارس به زبان هندی: विश्वविद्यालय हिन्दू काशी) بسیار عجله داشت که ترجمه عربی این اثر به سرعت به اتمام برسد و از سوی این دانشگاه به چاپ برسد؛ ولی بستوی زمان آن را نداشت که پس از گذشت ده سال بتواند در این فرصت اندک کار تحقیق، مراجعه به مصادر و تعلیقه‌نگاری بر این اثر را به اتمام برساند و از سوی دیگر نیز مصلحت نمی‌دانست که انتشار ترجمه متن اصلی آن به زبان عربی بیش از این به تأخیر بیفتد؛ از این رو ترجمه خودش از این کتاب را به دکتر ازهری تقدیم کرد و چون ترجمه او هنوز کامل نبود، به ایشان تأکید کرد آن را به یکی از استادان دانشگاه بنارس واگذار کند تا ضمن بازبینی ترجمه بستوی، کار تحقیق و تخریح متون و احادیث را از مصادر اصلی آن انجام دهد و ترجمه را در آن چاپ بدون اسم بستوی منتشر کند.

دکتر ازهری نیز همین رویه را در پیش گرفت و با مقدمه کوتاهی این ترجمه را در سال ۱۴۰۶ هجری از سوی انتشارات دانشگاه بنارس منتشر کرد و سپس دو بار تجدید چاپ شد تا اینکه یک سال پیش از این (زمان انتشار این چاپ از سوی دار عالم الفوائد)، بستوی ترجمه اولیه خودش را بازبینی کرد، کار تخریح و تحقیق متون آن را به پایان رساند،

۱. این دانشگاه در بنارس، اوتار پرادش کشور هند واقع شده است و در سال ۱۹۱۶ توسط مادان موهان مالاویا و با همکاری آئی بسانت تأسیس شد و با داشتن بیش از سی هزار دانشجو در دانشگاه، بزرگ‌ترین دانشگاه مسکونی آسیاست. دانشگاه هندوی بنارس از ۶ مؤسسه، ۱۴ دانشکده و حدود ۱۴۰ گروه آموزشی تشکیل شده است. برای آگاهی بیشتر به تارنمای این دانشگاه به نشانی <http://bhu.ac.in> مراجعه کنید.

مطالبی را در پانویشت صفحات برای تکمیل و ایضاح بیشتر مقصود مبارکفوری افزود و البته همه اینها را از نکات و فواید مبارکفوری در حاشیه و هوامش این کتاب با افزودن نشانه (مؤلف) در پایان عبارات و توضیحات مبارکفوری متمایز کرد تا خواننده در تشخیص توضیحات بستوی از مبارکفوری دچار سرگردانی نشود؛ همچنین افزوده‌ها و نکات عبیدالله مبارکفوری (فرزند عبدالسلام مبارکفوری) بر چاپ دوم این اثر به زبان اردو را نیز با نشان (عبیدالله) مشخص کرد.

همچنین بستوی همه پانویشت‌های شیخ عزیرالله سلفی (پژوهشگر چاپ اول کتاب به زبان عربی از سوی دانشگاه بنارس هند) را به استثنای مواردی که مناسب دید، حذف یا تعدیل کرد؛ البته با نشان (المراجع: پژوهشگر) آنها را مشخص کرد؛ از این رو در پانویشت‌هایی که در انتهای آنها تعبیر (المراجع) نیامده است، تحقیقات بستوی است و البته او بر تحقیقات، تعلیقات و تخریج احادیث و متون شیخ عزیرالله سلفی فراوان افزود (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۲-۱۴). در نهایت ترجمه بستوی همراه با تعلیقات او در دو مجلد از سوی انتشارات دار عالم الفوائد در مکه به چاپ رسید.

بستوی اذعان دارد پیش از ترجمه او، خوانندگان جهان عرب از مطالعه این اثر محروم بودند (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۰-۱۲). کارنامه پژوهشی بستوی گویای علاقمندی او به موضوعات حدیثی و کلامی است. عبدالعلیم بستوی شماری از میراث رجالی اهل سنت چون معرفة الثقات عجلی، سؤالات الأجرى را تحقیق و منتشر کرده است. در کتاب‌های ترجمه شده او به زبان عربی گرایشات سلفی نیز مشهود است؛ برای نمونه او کتاب محمد بن عبدالوهاب مصلح مظلوم و مفتی علیه تألیف ندوی را با ترجمه و تعلیقات خود منتشر کرد (مسعود ندوی، ترجمه و تعلیق عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی، با تجدیدنظر دکتر محمد تقی الدین هلالی، ۱۴۲۰ق) که رویکرد و دفاع از شخصیت ابن عبدالوهاب را دارد.

رساله دکتری عبدالعلیم بستوی با عنوان «المهدی المنتظر (ع) فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة واقوال العلماء وآراء الفرق المختلفة» در موضوع مهدویت در میراث اسلامی بود که از سوی دار ابن حزم بیروت منتشر شد (بنگرید: عبدالعلیم بستوی، المهدی المنتظر (ع) فی ضوء الأحادیث والآثار...، بیروت، دار ابن حزم، چ اول، ۱۴۲۰ق). او کتاب

۵۰۰

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

موسوعة فی أحادیث الإمام المهدي: الضعيفة والموضوعة را نیز در موضوع اعتبارسنجی احادیث مهدویت چاپ کرد (عبدالعظیم بستوی، موسوعة فی أحادیث الإمام المهدي، بیروت، دار ابن حزم، چ اول، ۱۴۲۰ق، ۴۱۵ص).

توجه به شخصیت و اندیشه‌های بخاری نیز از جمله دغدغه‌های دکتر عبدالعظیم بستوی است و می‌کوشد پژوهش‌های مربوط به بخاری را با تعلیق و تحقیق گسترده منتشر کند و نمونه آشکار آن، اهتمام او به تحقیق و ترجمه عربی کتاب سیره البخاری مبارکفوری است.

تعلیقات بستوی بر ایند پژوهش‌ها و درنگ‌های گسترده او در تاریخ حدیث، تراجم‌نگاری و فقه اسلامی است که در تسهیل فهم اشارات مبارکفوری برای برخی از خوانندگان سودمند است؛ ترجمه اشعار و ضرب‌المثل‌ها فارسی به کاررفته در متن اردو کتاب مبارکفوری گویای آشنایی بستوی با شعر و ادب فارسی است. گاهی نیز خطاهای مبارکفوری را گوشزد می‌کند؛ ولی تیغ نقدش چندان تیزوتند نیست و می‌کوشد آنها را توجیه کند.

هرچند تحقیق و تخریج مصادر کتاب مبارکفوری به همراه تعلیقات و توضیحات بستوی سبب شد حجم و صفحات نسخه اولیه این کتاب به دو برابر آن در ترجمه عربی افزایش یابد، بی‌گمان تلاش‌های بستوی جان تازه‌ای در کتاب سیره البخاری مبارکفوری دمید.

۲. ترجمه انگلیسی

پیش از ترجمه عربی این کتاب توسط بستوی، یک مرتبه ترجمه انگلیسی آن منتشر شده بود (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۲). اطلاع بیشتری از ترجمه انگلیسی این اثر و مترجم آن به دست نیامد.

ترجمه کتاب سیره البخاری مبارکفوری به زبان‌های عربی و انگلیسی گویای این نکته است که جریان سلفیه در دفاع از بخاری حضور جدی در جریان ترجمه به زبان‌های زنده جهان اسلام و غرب دارد و از تمامی ظرفیت‌ها و سرمایه‌های خود در تثبیت تفکر خود استفاده می‌کند.

۲-۸. ساختار کتاب

عبدالسلام مبارکفوری اصل کتاب سیره البخاری به زبان اردو را در یک مقدمه، دو بخش اصلی و یک خاتمه تألیف کرده است. بخش نخست این کتاب به شرح حال بخاری، تولد، تبار، نسب، اخبار و حوادث، سفرهای علمی، اوصاف علمی و اخلاقی، سیره و سلوک، مناقب بخاری، استادان و شاگردان، تدریس و افتاء بخاری، سخنان و اشعار و صوفی بودن بخاری اختصاص دارد.

این بخش شناخت نامه تقریباً موجز و البته کامل از دانش اندوزی بخاری را برای خواننده اردو زبان ارائه می‌کند و ۲۵۹ صفحه‌ی وزیری (همراه با تحقیقات و تعلیقات بستوی) از جلد اول ترجمه عربی را به خود اختصاص داده است. بخش نخست از کتاب مبارکفوری از جمله مفصل‌ترین نگاه‌ها به زبان اردو در شرح حال بخاری است و در میان آثار عربی هم‌رده با کتاب عبدالغنی عبدالخالق و عبدالستار الشیخ در سیره‌نگاری بخاری است. مبارکفوری در این قسمت از کتاب فقط به شخصیت علمی و سویه بیرونی زندگی علمی بخاری می‌پردازد و از ورود به محتوای اندیشه‌های بخاری اجتناب می‌ورزید و آن را به بخش بعدی کتاب واگذار می‌کند. رویکرد توصیفی محض بر این بخش سیطره دارد، هرچند در مواردی نیز مخالفت خود را با دیگران نشان داده است؛ ولی توصیف، ویژگی غالب این بخش است.

بخش دوم کتاب مبارکفوری با کتاب‌شناسی تألیفات بخاری به ویژه کتاب الجامع الصحیح او آغاز می‌شود. مؤلف خواننده را با فهرست کتاب‌های بخاری آشنا می‌کند، درباره‌ی ویژگی‌های صحیح بخاری بسیار سخن می‌راند، و در با مقایسه آن با صحیح مسلم به امتیازات صحیح بخاری تأکید می‌کند؛ همچنین در ادامه از جایگاه صحیح بخاری، انگیزه‌ها، مدت زمان و روش تألیف، شروح صحیح بخاری و دیگر پژوهش‌های مرتبط با آن سخن می‌گوید. پاسخ به شبهات منتقدان علیه آرای حدیثی بخاری، بررسی اندیشه‌های بخاری در امور اعتقادی، حدیثی و فقهی از دیگر جستارهای بخش دوم کتاب مبارکفوری است که با تحلیل و تتبع مبارکفوری، خواننده اندکی با بن‌مایه‌ها و محتوای دیدگاه‌های بخاری آشنا می‌شود. خاتمه، جستار پایانی کتاب مبارکفوری است که به شرح حال تفصیلی شماری از شاگردان نامدار بخاری اختصاص یافته است تا نشان دهد که بخاری افزون بر صحیح بخاری، در تربیت شاگردان تراز و مشهور نیز

توفیق داشت. بخش دوم و خاتمه کتاب مبارکفوری بخشی از جلد اول و تمام جلد دوم ترجمه عربی دکتر بستوی را خود اختصاص داده است که نزدیک به ششصد صفحه را دربر می‌گیرد.

از اشاره‌های مبارکفوری در بخش دوم کتابش چنین برمی‌آید که او قصد داشت پیش از خاتمه این کتاب، جستاری را به رد شبهه‌های جریان‌ها و فرقه‌های مختلف علیه بخاری (و به طور کلی حدیث و محدثان) اختصاص بدهد و آن را بخش سوم کتاب سیره البخاری قرار دهد؛ ولی مرگ او فرارسید و آرزوی تألیف این بخش برای مبارکفوری تحقق نیافت و این جزء تکمیل نشد (نک: عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۵). محتوای بخش دوم کتاب مبارکفوری چنین اقتضا می‌کند که مؤلف در کنار توصیف، از نقد و نظر نیز در ارزیابی دیدگاه‌های مخالفان بخاری بهره‌مند باشد؛ از این رو در این بخش از کتاب از رویکرد تاریخ‌نگاری توصیفی فاصله می‌گیرد و در کسوت یک مدافع بخاری ظهور و بروز پیدا می‌کند. رازورمز روی آوردن مبارکفوری به دفاع از بخاری در این کتاب را باید در وضعیت فکری و فرهنگی شبه‌قاره هند در عصر مبارکفوری جویا شد که بیش از پیش دفاع از بخاری و اندیشه‌های حدیثی او را برای سلفیان هند ضروری کرده بود.

۵۰۳

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۹-۲. مقدمه‌ها

افزون بر مقدمه مؤلف، چند مقدمه بر کتاب سیره البخاری مبارکفوری نوشته شده است که هر کدام در باب امتیازها و ویژگی‌های این کتاب سخن گفته‌اند. در این بخش به مهم‌ترین نکات هر یک از این مقدمه‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. مقدمه مبارکفوری

یک: سیره‌نگاری عبرت‌آموز، ابتکار قرآن کریم

عبدالسلام مبارکفوری به مثابه مؤلف کتاب در آغاز مقدمه خود به دو رویکرد تاریخی و عبرت‌گزینی در شرح حال نویسی بزرگان از پیشینیان اشاره می‌کند (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۳) و شرح حال‌نگاری (سیره‌نگاری و ترجمه نویسی) را از نوآوری‌های قرآن کریم می‌داند. در واقع بشر پیش از نزول قرآن با این فن

آشنا نبود؛ از این رو شرح حال پیامبرانی چون موسی (ع) و عیسی (ع) در میراث مسیحیان و یهودیان با افسانه‌ها و خرافات آمیخته است. نظر به تأکید قرآن کریم، محدّثان از همان آغاز به تدوین سیره نبوی، صحابه و دیگر حاملان حدیث اهتمام ویژه‌ای کردند که بدون تلاش‌های ایشان امکان شناخت شخصیت رسول خدا (ص) فراهم نبود و عمل به سنت و سیره ایشان نیز برای مسلمانان میسر نمی‌شد (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۴-۳۷).

دو: سفاهت قرآنیون هند به دلیل رویگردانی از سنت

مبارکفوری، قرآنیون هند را به دلیل رویگردانی از سنت، آشکارا سفیه معرفی می‌کند: «و بهذه العبارة يمكن للقراء أن يفهموا سفاهة هذه الفرقة» (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۶).

سه: بخاری، شخصیتی بی‌مانند در اوج

مبارکفوری بدون هیچ مقدمه به مخاطب خود چنین القا می‌کند: «چه کسی هست که ویژگی‌هایی ممتاز امام بخاری را (که او را از دیگر محدّثان ممتاز می‌کند) نشناسد؟ بخاری شخصی بود که به تدوین سیره نبوی، صحابه رسول خدا (ص) و دیگر مشاهیر اسلام اهتمام ورزید، شرح حال معتبر و درستی از ایشان ارائه داد و در این مسیر تلاش گسترده‌ای کرد و زندگی و رفاه خود را در این مسیر قربانی نمود. به دلیل فرازمنندی بخاری در تدوین چنین موسوعه بزرگی بود که به لقب "امام المحدثین و امیرالمؤمنین فی الحدیث" نایل آمد. همگان بخاری را با این القاب می‌شناسند و به توثیق او از روایان ثقه و به احادیث برگزیده او در کتابش الجامع الصحیح اعتماد دارند؛ به گونه‌ای که کتاب صحیح بخاری را بعد از قرآن به صحیح‌ترین کتاب روی زمین لقب داده‌اند» (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۸-۳۹). مبارکفوری همه این مطالب را از کتاب الفوائد الدراری فی ترجمة محمد بن اسماعیل البخاری گزارش می‌کند.

۲. مقدمه عبیدالله مبارکفوری

مقدمه دوم به قلم عبیدالله مبارکفوری فرزند عبدالسلام مبارکفوری است. او در بخشی از مقدمه خود درباره کتاب سیره الامام البخاری به چند نکته مهم اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

یک: سیره البخاری همسان هدی الساری ابن حجر

بر دانشیان جایگاه مهم کتاب هدی الساری مقدمة فتح الباری بشرح صحیح البخاری تألیف ابن حجر عسقلانی در شناخت و درک عمیق کتاب الجامع الصحیح بخاری پوشیده نیست. پیراسته از هرگونه گزافه‌گویی و سخن مبالغه‌آمیز بدون مطالعه کتاب ابن حجر، نمی‌توان به ظرایف و دقایق کتاب صحیح بخاری دست یافت؛ به همین سان این سخن درباره کتاب سیره البخاری به قلم پدرم عبدالسلام مبارکفوری نیز به صواب است؛ زیرا تنها کتاب به زبان اردو در موضوع خودش، به زبان ساده و البته در رتبه کمال قرار دارد (نک: عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۱).

دو: بازتاب اجتهاد بخاری در عناوین ابواب الجامع الصحیح

در نگاه عبیدالله مبارکفوری، بخاری مجتهد مطلق بود و شناخت کمال اجتهاد بخاری به شکل دقیق و کامل آن تنها از طریق عناوین ابواب کتاب الجامع الصحیح ممکن است که به تراجم البخاری مشهور است.

سه: تبیین شیوه اجتهاد فقهی اهل حدیث

شناخت اجتهاد بخاری مستلزم آشنایی با فقه اهل حدیث و شیوه اجتهاد فقهی محدثان و مقایسه آن با فقه اهل رأی و شیوه‌های اجتهاد فقیهان اهل عراق است تا تمایزات و تفاوت‌های آن دو برای دانش‌پژوهان آشکار شود و روشن گردد که دلیل تحسین فقه اهل حدیث و مذمت اجتهاد اهل رأی در چیست؟ عبدالسلام مبارکفوری به طور روشن و ساده و البته دقیق و کامل در جزء دوم کتاب سیره البخاری به این موضوع می‌پردازد و می‌گوید: پدرم عبدالسلام مبارکفوری در بحث از تراجم بخاری به منظور تبیین کمال اجتهاد بخاری چنین اعتقاد دارد که همانند آن را در کتاب‌های دیگر نتوان یافت؛ از این رو بخش دوم کتاب پدرم بیان‌کننده عالی‌ترین درجه تلاش و تاب‌آوری در تألیف این کتاب است (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۱).

عبیدالله رحمانی مبارکفوری این مقدمه را در دار الحدیث الرحمانیة دهلی هندوستان در تاریخ دهم محرم الحرام ۱۳۶۶ هجری نگاشته است (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۳۲).

۳. مقدمه دکتر ازهری

همان طور که پیش تر بیان شد، دکتر ازهری در چاپ اول کتاب سیره البخاری مبارکفوری از سوی دانشگاه بنارس هند، مقدمه کوتاهی بر این اثر نگاشت و در آن ضمن معرفی مبارکفوری، درباره جایگاه کتاب او و ویژگی های محتوایی آن سخن گفت که در نوع خود ارزش تاریخی زیادی دارد. همچنین دکتر ازهری در مقدمه خود تصریح می کند عبدالسلام مبارکفوری از پرچمداران سلفیه هند در دهه اول قرن بیستم میلادی بود و از حیات و مرگ وی چنین یاد می کند: «عاش سعیداً و قضی شهیداً ان شاء الله فخرت بلاد الهند عالماً عاملاً و داعية فاضلاً و مولفاً قديراً» (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، مقدمه ازهری، ج ۱، ص ۲۴). عبارت او ممکن است این شائبه را در ذهن برخی برانگیزد که مرگ عبدالسلام بر اثر برخورد درشکه، تصادفی نبود.

۴. مقدمه دکتر بستوی

دکتر بستوی در مقدمه خود به معرفی ساختار کتاب می پردازد و بخش های مختلف آن را برای خواننده معرفی می کند که همانند چاپ نخست عربی آن از سخن مترجم، مقدمه فرزند مبارکفوری دکتر عبیدالله مبارکفوری، نه باب و یک خاتمه تشکیل شده است. بستوی این مقدمه را در مکه (۱۴۱۹/۱۱/۲ هجری) نگاشته است (عبدالسلام مبارکفوری، سیره الامام البخاری، ج ۱، ص ۱۵-۱۷).

دستاورد

کتاب سیره الامام البخاری اثر عبدالسلام مبارکفوری از جمله مصادر کتاب طعون و شبهات الشيعة الامامية حول صحيح البخاری و الرد عليها تألیف دکتر عادل حسن یوسف عزازی است و دکتر عزازی از رویکرد و دستاورد آن در کتاب خود بهره مند است؛ از این رو برای نقد کتاب او ضروری بود که اندیشه عبدالسلام مبارکفوری در کتاب سیره الامام البخاری بازخوانی و ارزیابی شود تا میزان اثرپذیری عزازی از مبارکفوری روشن گردد.

عبدالسلام مبارکفوری از جمله مدافعان سرسخت و تندروی بخاری در سده معاصر است. او در کتاب پُربُری خود با عنوان سیره الامام البخاری: سیدالْفقهَاء و امام المحدثين به دفاع تمام عیار از شخصیت بخاری و اصالت و اعتبار تمامی احادیث کتاب الصحيح بخاری می پردازد. مبارکفوری در جلد نخست کتاب خود می کوشد شخصیت علمی، حدیثی،

رجالی و فقهی بخاری را تبیین کند. در جلد دوم بیشتر به اشکال‌ها و شبهه‌های مخالفان و منتقدان بخاری علیه شخصیت و احادیث کتاب الجامع الصحیح او می‌پردازد.

مبارکفوری از مبلغان سده اخیر شبه‌قاره هند بود که در روستای مبارکفور در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. هرچند پدر او در کسوت عالم دینی نبود، وضعیت مذهبی روستای مبارکفور و گرایش‌های دینی مادر او در پیوستن مبارکفوری به صنف طلاب علوم دینی هند اثر گذاشت و همانند دیگر دانش‌پژوهان روستای مبارکفور به حدیث‌پژوهی متمایل شد. او سالیان زیادی نزد ابوعلی محمد عبدالرحمن مبارکفوری حدیث آموخت و در شمار پیروان مدرسه حدیثی سیدنذیر حسین دهلوی درآمد. عبدالسلام مبارکفوری تحت تأثیر اندیشه‌های حدیثی استادانش به احیای حدیث و سلفیه‌گرایی در شبه‌قاره هند تعصب شدیدی داشت و ملتزم به اندیشه فکری شاه اسماعیل دهلوی بود.

عبدالسلام مبارکفوری همانند دیگر سلفیان شبه‌قاره هند شورمندی ویژه‌ای در تبلیغ و گسترش اندیشه‌های سلفیه داشت. او از تدریس، تبلیغ و سخنرانی بیشترین بهره را در این مسیر برد و اندکی نیز به تألیف کتاب پرداخت؛ ولی به اندازه دیگر کوشش‌ها و تلاش‌های او نبود.

بر خلاف پندار دکتر عزازی که مبارکفوری را در تراز علاقه، نامدار و صاحب‌نظر می‌داند و به آرای وی در کتابش در پاسخ به نقدهای نویسندگان شیعه علیه بخاری استناد جسته است، نام عبدالسلام مبارکفوری در میان پژوهشگران مسلمان در سی سال اخیر و با انتشار ترجمه عربی کتاب او با عنوان سیره الامام البخاری شناخته شد.

پیش از انتشار و ترجمه این اثر او از اردو به زبان عربی، مبارکفوری در میان پژوهشگران عرب‌زبان و خاورشناسان مشهور نبود، بلکه بیشتر در شبه‌قاره هند و نزد اردوزبانان شناخته شده بود؛ زیرا سخنرانی‌ها، تدریس‌ها، مقالات و کتاب‌های او همگی به زبان اردو بود و به دلیل حضور نداشتن در کنگره‌های بین‌المللی خارج از هند چهره شناخته شده‌ای نبود. هرچند اسلام‌شناسی در شبه‌قاره هند رویکردهای متنوع و مختلفی را تجربه کرده است و بایسته پژوهش و کاویدن است، از موانع فراروی این مهم نگارش عمده تألیفات دانشیان این دیار به زبان اردوست که زبان معیار در جهان اسلام و غرب نیست؛ از این رو غبار غربت و رنگ عزلت همواره بر چهره اندیشه‌ها و کتاب‌های مؤلفان شبه‌قاره هند وجود دارد و ترجمه این آثار به زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی از قوت و شتاب چندان زیادی برخوردار نیست؛ به همین دلیل در بازشناسی شخصیت

عبدالسلام مبارکفوری با چالش کمبود منابع به زبان‌های عربی، انگلیسی و فارسی روبرو بوده و هستیم و اگر نبود یک مقاله کوتاه و مقدمه دکتر ازهری و دکتر بستوی بر کتاب سیره الامام البخاری، اطلاعات زیادی از شخصیت و اندیشه مبارکفوری به زبان عربی نداشتیم؛ از این رو این دو نگاشته در بازشناسی سیر دانش‌اندوزی و تلاش‌های علمی عبدالسلام مبارکفوری در نگارش این پژوهش بسیار مغتنم بود.

این کاستی تا حدودی در منابع به زبان اردو برطرف شده است؛ ولی همچنان برای شناساندن ابعاد سایه روشن زندگی علمی مبارکفوری به تحقیقات جدیدی نیازمندیم؛ از این رو چنین نیست که مبارکفوری فرزانه‌ای نامدار در جهان اسلام بوده و اندیشه‌های او آفاق و امصار را درنوردیده باشد، بلکه عکس آن صادق است و چهره او فقط میان اردوزبانان هند شناخته بود.

یادکرد لقب علامه برای عبدالسلام مبارکفوری در عنوان کتاب سیره الامام البخاری، لقبی اعطایی از سوی مترجم این کتاب است و چرایی آن با گفتمان انتقادی سلفیه شبه‌قاره هند علیه نواندیشان دینی در پیوند است که با اعطای این القاب جهت‌دار به مدافعان بخاری، می‌کوشند در ذهن مخاطبان خود اثرگذار باشند؛ ولی واقعیت چنین نیست و مطالعه عمیق و نقد دقیق کتاب سیره الامام البخاری مبارکفوری آشکار می‌کند که مبارکفوری در این کتاب بیشتر در کسوت گزینش‌گر متون تاریخی همسو با ذهنیت سلفیه هند از تصویر بخاری عمل کرده است و تحلیل ژرف و نوآمندی در این اثر حتی در تتبع و تحقیق نیز مشاهده نشد.

بر این کتاب چهار مقدمه از سوی مبارکفوری، فرزندش عبیدالله، دکتر ازهری و دکتر بستوی نگاشته شده است. در مقدمه مبارکفوری به ابتکار قرآن کریم در سیره‌نگاری مستند و عبرت‌آموز، سفاهت قرآنیون هند به دلیل رویگردانی از سنت و اهداف و انگیزه تألیف این اثر اشاره شده است.

عبیدالله مبارکفوری در مقدمه کتاب پدرش سیره البخاری را همسان هدی الساری اثر ابن حجر دانسته است و بر بازتاب اجتهاد بخاری در عناوین ابواب الجامع الصحیح تأکید دارد که پدرش به خوبی از عهده تحلیل آن در این کتاب برآمده است. در دو مقدمه دکتر ازهری و دکتر بستوی نیز به معرفی مبارکفوری و کتاب او و نیز شرایط و فضای تألیف این اثر اشاره شده است.

۵۰۸

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

معرفی شخصیت بخاری به زبان اردو و پاسخ به نقدهای مخالفان بخاری (به ویژه شبلی نعمانی در کتاب سیرة النعمان) از جمله انگیزه‌های مبارکفوری از تألیف کتاب سیرة البخاری است. مهم‌ترین منبع مبارکفوری در تألیف این اثر، نسخه خطی کتاب فوائد الدراری فی ترجمة البخاری اسماعیل عجلونی است که کتابخانه بهادرخان خدابخش هند در اختیار او قرار داد.

از جمله چالش‌های کتاب مبارکفوری، تحریف و تصرف در عنوان اصلی این کتاب در ترجمه عربی آن است. این اقدام مترجم و موافقت ناشر با آن با شیوع رویکرد سلفیه‌گرایی عربستان و اوج گرفتن جریان نقد بخاری و لزوم پاسخ سلفیان به آن در روزگار انتشار این اثر در این کشور همسویی لازم را دارد و چنین اقداماتی از سوی سلفیه در این مقطع تاریخی درک‌پذیر است؛ زیرا هویت این جریان که وابستگی زیادی به بخاری دارد، از سوی جریان انتقادی حدیث به شدت تضعیف شده است و سلفیان به عنوان اقدام متقابل تلاش دارند که بیش از پیش جایگاه بخاری را در پیشادید نسل جدید پیروان خود ارتقا بدهند.

۵۰۹

آینده پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

عنوان جدید کتاب گویای این مهم است که بر اساس دیدگاه مؤلف این کتاب، بخاری از جایگاهی فرازمند در میان فقیهان و محدثان برخوردار است و این کتاب به شرح حال چنین شخصیت ممتاز و فاخری در فقه و حدیث پرداخته است.

از مقدم کردن تعبیر «سید الفقهاء» نیز قصد دارد بر این نکته تأکید کند که بخاری افزون بر اینکه فقیه و مجتهد در دانش فقه بود، میان فقیهان نیز از شمار فرازمدان ایشان بود و سروری و سیادت فقیهان به بخاری اختصاص دارد و فقیهان نامدار دیگر در تراز و رتبه بخاری در فقه نبودند! ادعایی که در ذهن پژوهشگران تاریخ فقه و فقها می‌تواند بحران جدی و چالش عمیق ایجاد کند؛ زیرا بخاری در کسوت فقیه از چنین جایگاهی در تاریخ فقهای تراز مذاهب فقهی برخوردار نبود و کتاب الصحیح بخاری و دیگر آثار او در تراز اندیشه‌ها و آثار فقیهان نامدار پیشین و معاصر او نبودند؛ بنابراین اینکه امروزه از بخاری با عنوان سید فقیهان یاد می‌شود و بر تارک نام کتاب‌های مدافعان بخاری جای می‌گیرد، بسیار تأمل‌برانگیز است! حال اینکه نظریه رقیب چنین تصویری از جایگاه بخاری در فقه ندارد؛ از این رو کتاب مبارکفوری بسان نردبان شکسته‌ای می‌ماند که پله‌های آغازین آن چنان ترک خورده است که نشاید از آن برای صعود بهره جست.

کتاب نامه

بستوی، عبدالعلیم؛ المهدي المنتظر (ع) فی ضوء الأحادیث والآثار...؛ ج ١، بیروت: دار ابن حزم، ١٤٢٠ق.

بستوی، عبدالعلیم؛ موسوعة فی أحادیث الإمام المهدي؛ ج ١، بیروت: دار ابن حزم، ١٤٢٠ق.

حسنی طالبی، عبدالحی؛ نزهة الخواطر؛ بیروت: دار ابن حزم، ١٤٢٠ق.

دهلوی، ابواسحاق؛ تنویر العینین فی إثبات رفع الیدین؛ نسخه خطی.

عزازی، عادل حسن یوسف؛ طعون و شبهات الشيعة الأمامية حول صحيح البخاري والرد عليها؛ قاهره: دار اللؤلؤة، ١٤٤٣ق.

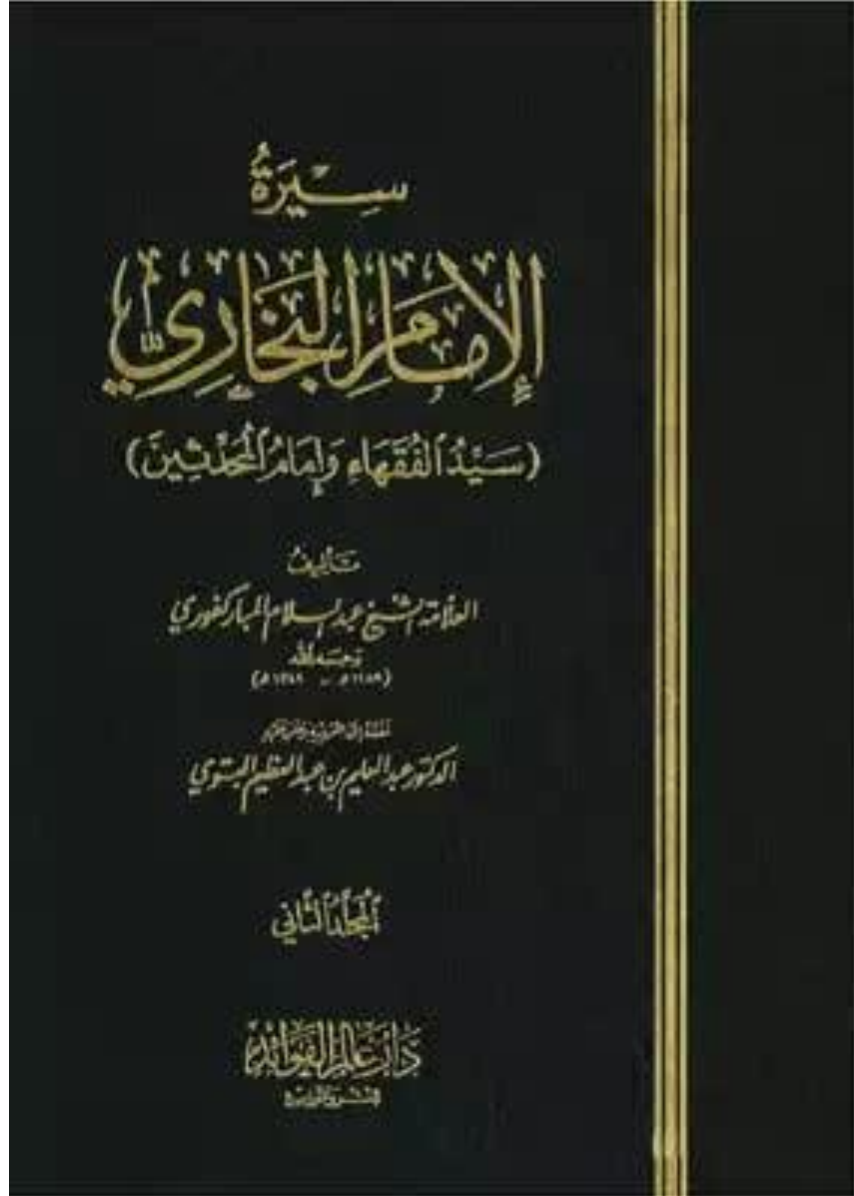
فريوائي، عبدالرحمن؛ الحركة السلفية ودورها في إحياء السنة؛ المدينة المنورة: الجامعة الإسلامية، ١٩٨٠م.

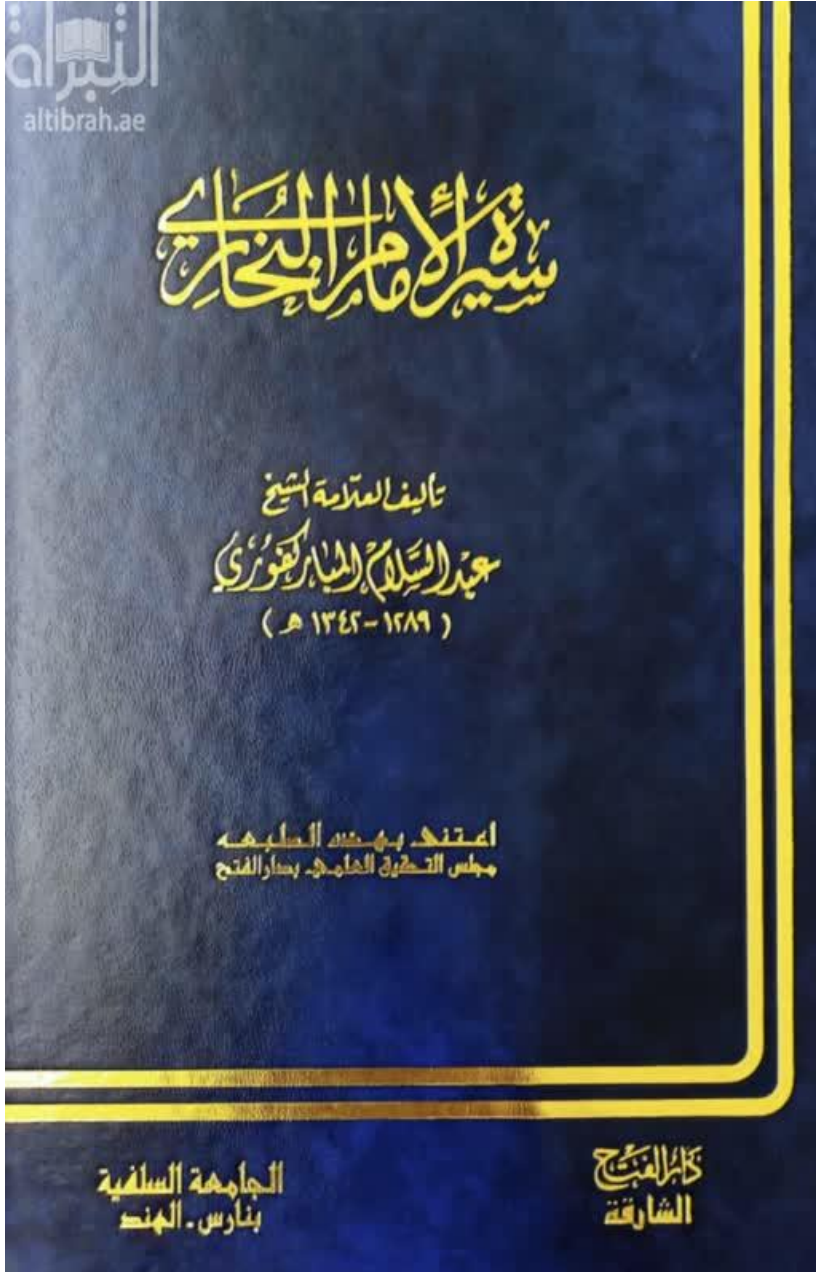
مباركفوري، فواز عبدالعزيز؛ «الشيخ عبدالسلام المباركفوري وكتابه سيرة الإمام البخاري»؛ مجلة نقيب الهند، اكتوبر و دسامبر ٢٠١٨م.

مباركفوري، عبدالسلام، سيرة الامام البخاري؛ مکه: دار عالم الفوائد، ١٤٢٢ق.

۵۱۱

آینہ پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳





۵۱۲

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳